



۲۰۱۸/۰۸/۰۶



سیدهاشم سدید

## پی آمد های سکوت می توانند بسیار سنگین باشند

بدون هر نوع شک و شبهه هیچ کدام از ما افغان ها، خواه پشتون، خواه تاجیک و هزاره و ازبیک و ترکمن و پامیری و پشه ئی و بلوچ و...، یا سنی و شیعه و هندو و سیکه و یهود و عیسوی، راضی به این نیستیم که خاری به پای یکی از هموطنان ما بخلد، چه رسد به این که ده ها و صد ها انسان که خود را افغان می دانند و افغان هستند، بار بار طی حملات انتحاری یا جنگ و ترور و اختطاف، با تأثرآور ترین اشکال به قتل برسند، یا مجروح شوند.

حملاتی مانند حمله اخیر به مسجدی در گردیز که طی آن در حدود سی تن از هموطنان ما جان های عزیز شان را از دست دادند و بیشتر از هشتاد نفر زخمی شدند، کار هر گروهی که باشد سخت قابل نکوهش است. چنین عملی باید به شدت هر چه تمام تر محکوم شود؛ یکی برای اینکه سبب پهنای بیشتر آزدگی و نفاق میان مردم، و در نتیجه تباهی کامل کشور ما می شود، امری که ایران و پاکستان، خاصاً، با علاقمندی مطلق برای دست یافتن به اهداف شوم خود منتظر آن می باشند و در هیچ صورتی به سود ما نیست؛ و دیگر برای اینکه این امری قابل مذمت، در مکانی رخ می دهد که نباید از نظر دین اسلام به آن مکان چنین بی حرمتی صورت بگیرد.

مسجد خانه خداست، و خانه خدا مکان صلح و سکوت و اندیشه و عبادت است، نه مکانی جنگ و دعوا و خونریزی و تصفیة حساب از راه ترور؛ مکانی است که انسان در آن با خدایش راز و نیاز می کند؛ خانه ای که انسان ها هر قدر با هم دشمن باشند، به پاس احترام و بندگی "صاحب خانه" نباید در آن دست به چنین اعمال ددمنشانه و مغایر تعالیم اسلام بزنند؛ خانه ای که در آن انسان باید از قید بندگی شیطان - کسی که انسان را به راه های بد می کشاند - آزاد گردد؛ خانه ای که به گفته پیامبر "محل جلوس پیامبران الهی و نور خداست"؛ محبوب ترین مکان نزد خدا همین مکان است؛ خانه ای که جای تفکر و ذکر و تلاوت و دعا و راز و نیاز و اعتکاف و تعلیم و تعلم و سجده و خلوت با خدا و تقویت روحی - اخلاقی است.

چگونه، وقتی تقدس چنین مکانی را می شکنند، آنهم به نام دین و به نام خدا و پیامبر و قرآن، کسانی که برای حفظ تقدس آن سخت تأکید ورزیده اند، به نام یک مسلمان باید سکوت کرد و حرفی نزد؟

رفتن به مسجد تنها یک شرط اساسی دارد: یکتاپرستی خالصانه مطابق تعالیم دین اسلام و این که تنها خدا در آن پرستش شود.

مسلم در بخاری نقل می کند که پیامبر(ص) می فرماید: «جمع نمی شوند گروهی در خانه ای از خانه های خدا که کتاب خدا را تلاوت کنند و به تعلیم و تعلم بپردازند، مگر این که بر آن ها آرامش نازل شده و رحمت خدا آن ها را فرا می گیرد و ملائک در اطراف شان حلقه می زنند و خداوند از آن ها در نزد ملائکه یاد می کند.»

آیا در چنین حالتی که ملائک در اطراف نماز گزاران حلقه می زنند و خدا به دلیل این کار نماز گزاران به تحسین آن ها نزد ملائک می پردازد و رحمت خدا آن ها را به خاطر جمع شدن در مسجد برای اجرای اوامر خدای شان فرا می گیرد، و در آن قرآن تلاوت می شود، لازم است خون آن ها ریخته شود؟ چرا انتحار کنندگان دست به چنین کاری می زنند؟ می خواهند آن نوری را که پیامبر می گوید از آنی خداست خاموش کنند؟ جای جلوس پیامبران خدا را ویران کنند؟ محل توجه اولیاء را با خاک یکسان کنند؟ خانه پرهیزگاران را از بین ببرند؟ دست به قتل فرشتگانی که به اطراف نماز گزاران جمع شده اند بزنند؟ آرامشی را خدا در قلوب این بندگان خدا جای داده است، از بین ببرند؟ راه تعلیم و تعلم دین را کور بسازند؟ مردم را از رفتن به مسجد بازدارند؟ ...

چه کسانی هستند این ها که دست به این گونه کار هائی ناروا از نظر دین می زنند؟ مؤمن و مسلمان؟ فکر نکنم؛ زیرا اسلام به درجه ای به حفظ تقدس و حرمت مسجد تأکید نموده است که به مشکل می توان بین مسجد و خانه کعبه فرقی قائل شد. تأکید خدا و پیامبر به حفظ تقدس و حرمت مسجد بیشتر برای این است که مسجد جایگاهی است برای سازندگی و نزدیک شدن به خدا، که نه سال یک بار، بلکه هر روز در آن جمع می شوند!

من، باوجودی که دید غیرمعمول، یعنی خیلی منزّه تر و خیلی سالم تر به دین دارم و فکر می کنم دین داری من از دینداری بسیاری از کسان، از جمله طالب و داعش و بوکوحرام و جیش الاسلام و سیاف و مجددی و گلبدین و امثالهم به هزار ها مرتبه بهتر خواهد بود، کشتن کسی را به دست کسی و به نام دین در درون اماکن مقدس غیرقابل قبول و غیرقابل بخشش می دانم و سکوت در برابر این عمل گناه عظیمی است از نظر من!

از جنبه دیگر، یعنی از نظر افغانیت چنین عملی را ضد افغانی می خوانم و عاملین آن را، کسانی را که فقط با این کارهای شان می خواهند از روی جهالت یا برای به دست آوردن متاع بی ارزش دنیائی و یا مهیا کردن خوشی دشمنان افغانستان مرتکب جفاء و گناهی عظیم شوند، بدون اینکه سربه گریبان نموده فکر کنند که بیگانه فقط سود خود را می خواهد و هیچ وقت از خود نمی شود مستحق سخت ترین عقوبت ها می دانم.

در آخر، حسب هدف اصلی این نوشته، که پیامی است به عموم هموطنان عزیز، استدعا دارم که سکوت نکنید. هر عمل ناهنجاری را از هر کسی که سر می زند، خواه از پشتون باشد و ما پشتون هستیم، خواه از هزاره باشد و ما هزاره هستیم، خواه از ازبیک باشد و ما ازبیک هستیم، خواه از تاجیک باشد و ما تاجیک هستیم و... با صدای بلند و رسا محکوم کنید و بکوشید که جلوی آن را بگیرید.

سکوت ما، یا توجیه چنین اعمالی غیراخلاقی - غیرانسانی - غیراسلامی، سبب می شود که چنین اعمالی بیشتر از پیش افزایش یابند و باشندگان جغرافیای سیاسی افغانستان را که باید یک ملت باشند، به جای نزدیک شدن و نزدیک بودن و با هم زیستن، از هم آزرده تر و دورتر می سازد؛ عملی که مشکلات ما را بیشتر و بیشتر می سازد و به هیچ وجه به سود ما نیست!

راه اتحاد و وحدت فقط از بین بردن تو و من است، نه دامن زدن به اندیشه تو و من و از تو و از من، و بوجود آوردن "ما"! در غیر آن شاید زمانی برسد که مانند دانه های ارزن ظرف بزرگی که بر روی زمین پاشیده شده باشد، جمع کردن آن برای همه ما در دسرهای عظیمی بوجود بیاورد، اگر اصلاً وقت آن برای ما میسر گردد!

کار بد و عمل زشت را تقبیح کنید از هر کسی که سر می زند. همه را به یک چشم ببینید. خوبش را دوست داشته باشید؛ بدش را رهنمائی کنید؛ کاری که مصلحان می کنند و می کردند. دست از تعصب بردارید که هم خانه ها را به باد می دهد و هم کشور ها را!! بترسید از آن روزی که از بی اتفاقی زیاد کسی نباشد که مرده های ما را تا قبرستان برساند و دفن کند!! یکی فقط پشتون بگوید و دیگری هزاره و تاجیک و...

